

بررسی نمادها و آیین های مشروعیت بخش در برنامه های صدا و سیما با تاکید بر مناسک مذهبی

دکتر مجتبی مقصدی*

جعفر علی پور**

چکیده

نمادها، اسطوره ها و آیین ها، نظامهایی از ارزشها هستند که اگر از سوی نظام سیاسی بعنوان ابزارهایی برای اعمال قدرت یا کنترل و یا برقراری نظم و همبستگی و یکپارچگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند، می توانند حاملان خوبی برای این منظور باشند؛ چرا که در باورها و اعتقادات مردم جای دارند. در این مقاله سعی می شود به این پرسش پاسخ دهیم که نمادها و آیین های مورد استفاده در برنامه های صدا و سیما چگونه موجب افزایش مشروعیت نظام سیاسی حاکم می شود؟ پژوهش مربوط به این مقاله توصیفی است و مطالعات نظری مربوط به « مشروعیت » و « نماد و آیین » تدوین شده است.

* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه علوم

سیاسی، تهران، ایران

** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

نتایج این تحقیق نشان دادند که رسانه ملی با استفاده از ابزارهایی نظیر نمادها و آیین‌های مورد قبول جامعه سعی دارد که عالمی و عامداً موجبات افزایش مشروعیت نظام را فراهم آورده و اتصال مردم به نظام و نیز رهبران نظام به مردم را محکم‌تر کرده و نقش عمده‌ای در ایجاد زمینه برای پذیرش اقتدار حکومت نزد مردم داشته است.

واژگان کلیدی: مشروعیت، آیین، نماد، تاسوعا و عاشورا، نماز جمعه

Archive of SID

مقدمه

حکومتها کمتر می‌توانند با استفاده از زور و ارباب و تهدید، خود را بر مردم تحمیل کرده و بقایشان را طولانی‌تر کنند، بنابراین بدنال ابزارهایی هستند که با استفاده از آنها بتوانند سیاستها و فرامین خود را با مقاومت کمتری اعمال نمایند و پذیرش عمومی را بدنال داشته باشد.

در ایران نیز در جریان انقلاب اسلامی و در سالهای بعد از آن تمامی انواع و اشکال آیین‌های اسلامی و بویژه شیعی به کار گرفته شده و بسیاری از انواع نمادها که متعلق به دوران قبل از انقلاب « طاغوت » بود یا به کلی از بین رفته و یا بکارگیری آن بسیار کم‌رنگ شده و یا انواع بسیاری از نمادهای جدید پا گرفته و رشد کرده و در دل مردم جا باز کرده است.

بکارگیری این نمادها و آیین‌ها از سوی نظام اسلامی سبب شده است تا اولاً مردم به سوی هدفهای انقلاب اسلامی بسیج و ثانیاً دستگاه حکومتی تمامیت قدرت را کسب و حفظ کند و به سطوح و ابعاد مختلف حیات اجتماعی بسط دهد و موجبات افزایش مشروعیت خویش را فراهم سازد. در این حالت باید پرسید که صدا و سیما یا رسانه ملی چگونه می‌تواند با استفاده از این آیین‌ها و نمادها به افزایش مشروعیت بخشی نظام کمک کند؟

در عصر کنونی و در دنیای پیچیده‌ی ارتباطات امروزی، رسانه‌ها نقش عظیمی در تحقق اهداف یک حکومت دارند. بخصوص اینکه چنانچه این ابزار مستقیماً در دست صاحبان قدرت و متولیان حکومت باشد، در راستای اهداف حکومت حرکت می‌کند و

بعنوان ابزاری برای گسترش قدرت، کسب مشروعیت و ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان و گسترش مهربانی و عطف در میان موافقان خود به کار می‌رود. به دنبال دگرگونی در ساختار حکومت ایران در سال ۱۳۵۷، این دگرگونی در حوزه‌های مختلف هم پدید آمده و رسالت این حوزه‌ها هم در مواردی تغییر یافت که یکی از آنها معطوف به کارکرد و رسالت رادیو - تلویزیون گذشته و صدا و سیما یا رسانه ملی اکنون بود که به دلیل ساختار حکومتی خود بعنوان ابزاری برای گسترش اهداف انقلاب و تحقق آرمانهای آن عمل کرده و همواره مورد توجه رهبران انقلاب و مردم بوده و موجب پیوند هر چه بیشتر این دو به هم گردید. استفاده از آیین‌های مورد علاقه‌ی مردم و نمادها و اسطوره‌های مورد پذیرش آنها در برنامه‌های رسانه‌ی ملی یکی از راههای نزدیکی مردم و علاقه‌مندی آنها به نظام اسلامی است.

بررسی نظری

۱- مشروعیت

از عقاید بنیانی افلاطون یکی این است که عدالت جزئی از فضائل انسانی است. آرته (ARETE) که آن را «فضیلت» ترجمه کرده اند ولی شاید ترجمه بهترش «علو» باشد عبارت از خصیصه یا صفتی است که به دارنده اش استحقاق این را که «خوب» نامیده شود می‌بخشد. (طاهری، ۱۳۷۳، ۹)

خوب نامیده شدن یعنی پذیرفته شدن از جانب طرف مقابل، حال این طرف مقابل اعضای خانواده در مقابل پدر یا سرپرست خانواده باشد یا مردم یک کشور در مقابل نظام و سیستم حاکم بر آنها. به هر حال دادن این صفت یا حق که «تو خوبی» نوعی «پسنیدگی رفتار» را به دنبال دارد که همان «مشروعیت رفتار» است و دیگر می‌توان

در مقابل اعمال قدرت و زور با چنین شرایطی تسلیم شد. امروزه در نتیجه ی رشد فرهنگی و آگاهی و تمدن و دانش ابناء بشر، کمتر می توان در روابط سیاسی از زور و اجبار و تهدید استفاده کرد و یا استفاده از آن به حداقل رسیده و مفهوم مشروعیت در نظریه های سیاسی جدید جایگاه مهمی یافته و برای کنترل و اعمال قدرت از روشهای غیر اجبارگر، نظیر نفوذ، ترغیب، رهبری، افکار عمومی و مانند آنها بهره می برند و از این طریق سعی در مشروعیت بخشی به قدرت خود دارند.

اما مشروعیت چیست؟

مشروعیت پاسخی به این پرسش است که به چه دلیل عده ای از انسانها حق فرمانروایی دارند و دیگران وظیفه ی اطاعت. (فیرحی، ۱۳۷۸، ۲۱)

مشروعیت ملایم کننده و تلطیف کننده ی قدرت و حاکمیت است. به این معنا که حکم سیاست را به راحتی و بدون مانع پذیرفتنی می کند.

مشهورترین بحث درباره ی مشروعیت را باید در آثار ماکس وبر جامعه شناس آلمانی یافت. وبر مفهوم مشروعیت را بصورت مفهومی عام بیان می کند، به عقیده ی او مشروعیت بر «باور» مبتنی است و از مردم اطاعت می طلبد، قدرت فقط وقتی موثر است که مشروع بوده باشد. (عالم، ۱۳۷۳، ۱۰۵)

با این تعبیر، نظامهایی که دارای مشروعیت هستند در مقابل نظامهایی که مشروعیت ندارند از قدرتی بالاتر در جهت اجرای دستورها و جلوگیری از هرج و مرج و شورشها و عصیانها برخوردار هستند.

ماکس وبر در سخنرانی اش در خصوص (سیاست به مثابه نوعی حرفه) وادار می شود این سوال جهت دار را مطرح کند: «چه وقت و چرا مردم اطاعت می کنند؟» و خود به شرح بعضی از پاسخ های آن می پردازد:

... زنجیره ی علی ای که از فرمان به واقعیت عملی اطاعت کشیده می شود ممکن

است کاملاً متغیر باشد. به لحاظ روان‌شناسی ممکن است تاثیر فرمانبرداران از طریق همدلی یا از طریق ترغیب یا بحث عقلانی از طریق ترکیبی از این سه نوع اصل تاثیر شخص بر دیگری حاصل می‌شود. (پارکین، ماکس وبر، ۱۱۲)

از نظر وبر سه نوع فراگیر اطاعت در اینجا معرفی می‌شود؛ همدلی، الهام و پذیرش بحث عقلانی. همه‌ی حکومتها می‌کوشند نشان دهند که اقداماتشان مشروع و بنابراین بر مردم الزامی است. رهبر نظامی هم که کودتا می‌کند و قدرت را قبضه می‌نماید می‌کوشد قابلیت توجیه یا درستی اخلاق عمل خود را نشان دهد.

وبر آگاه بود که تاریخ نظام سیاسی دقیقاً شرح دل‌بستگی‌هایی نیست که زیر دستان به اربابان خود نشان می‌دهند. به این معنا که حکومتها نمی‌توانند با زور تنها باقی بمانند بلکه درجه‌ای از حمایت اخلاقی از پایین برای بقای دراز مدت هر نظام اقتداری ضروری است.

در واقع او می‌گوید که «اعمال مداوم هر سلطه‌ای...» همواره مستلزم نوعی دعوی ثمربخش مشروعیت است... این دعاوی مشروعیت بر سه نوع کلی اند (منابع مشروعیت از دیدگاه ماکس وبر): سنتی، کاریزمایی و قانون عقلایی.

وبر اینها را «سه توجیه درونی» یا «مشروع سازی‌های اصل سلطه» می‌داند. سلطه سنتی بر توسل به تقدس آداب و سنن بسیار کهن تکیه دارد. این آن نوع سلطه‌ای است که رئیس خانواده، ریش سفیدان قبیله و امثال آنها اعمال می‌کنند. سلطه‌ی کاریزمایی بر کشش شخصیتی قهرمان، کسی که برخوردار از موهبت الهی است تکیه دارد. پیامبران، قدیسان و رهبران انقلابی مثال‌های متعارف‌آند. سلطه‌ی قانونی - عقلانی بر توسل به درستی قواعد و مقررات رسماً مصوب متکی است. (پارکین، ماکس وبر، ۱۰۹)

مفهوم مشروعیت در نظریه‌ی جدید سیاسی جایگاه مهمی پیدا کرد. اگرچه ریشه‌های این مفهوم را در نوشته‌ی افلاطون می‌توان دید که اندیشه‌ی عدل را در کتاب جمهور خود به صراحت توضیح داد. اما متفکران جدید سیاسی آن را به طور منظم بیان کرده‌اند.

در هر حال دولتها همواره در تلاشند تا اقدامات و سیاستهای خود را در پوششی زیبا و مورد پسند ارائه نمایند و از هر سه منابع مشروعیت بهره برداری کنند و ای بسا به دنبال منابع جدید کسب مشروعیت باشند تا هر چه بیشتر دوام بیاورند. و در این میان بخصوص در جوامع سنتی تر دنبال آیین ها، مذاهب، سنتها و آنچه مورد اقبال عمومی مردم است هستند تا پذیرش سیاستهای آنها از سوی مردم با سهولت انجام گیرد و این پذیرش موجب افزایش اقتدار و مشروعیت آنها می شود.

۲ - نمادها

شاید همه کسانی که به جستجویند تا بدانند از کجا آمده اند، چرا آمده اند و به کجا خواهند رفت غم درک معانی پنهان هر چیز را به دل دارند و نیک می دانند هیچ شیئی و هیچ واقعه ای اتفاقی و بدون زمینه ی معنایی، هست نشده (شوالیه، ۱۳۷۸، ۶)

میل به دانستن معناها و مفاهیم و کاربرد صحیح کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعمها، حرکات و اشیاء و میزان تاثیرگذاری این مفاهیم در زندگی، سبب شد تا انسان همواره به دنبال درک آنها و بررسی میزان اثرگذاری آنها در زندگی و جامعه خود و بهره برداری های گوناگون از آنها باشد. به نظر می رسد ما در میان موجودات، گونه ای هستیم که به شدت میل به معنا سازی داریم و معنا هم از طریق تولید و تفسیر «نشانه ها» بوجود می آید. این نشانه های معنی دار هریک می توانند به نمادی برای انتقال پیام ها و اطلاعات تبدیل شوند که در طول زمان به صورت قراردادی در میان اجتماع کار ویژه های خاص خود را انجام می دهند. البته نمادها همیشه برای انتقال اطلاعات به کار نمی روند.

شاید قابل قبول ترین نماینده ی نمادهای خالص را بتوان در نشانه گرای ادیان اولیه جستجو کرد؛ در یک دین اولیه اعمال مذهبی ممکن است دور یک گاو نر، یک کوه یا یک آتش مقدس انجام پذیرد. بدون آنکه هیچگونه تعریف روشنی وجود داشته باشد که بگوید چه چیزی آن اعتباری را که قابل احساس است به این مصادیق می دهد. (الستون، ۱۳۸۰، ۹۹)

هر یک از ما در طول روز و شب، چه آگاه و چه ناآگاه در گفتار، در رفتار و در رویاهای خود از نماد استفاده می‌کنیم. نمادها، خواسته‌های ما را به صورت ملموس در می‌آورند، در جریان یک ماجرا تهییج‌مان می‌کنند، به منش و رفتارمان شکل می‌دهند و موجب موفقیت یا شکستمان می‌شوند.

ژان شوالیه در کتاب فرهنگ نمادها که با همکاری آلن گربران و گروهی دیگر از اندیشمندان به نگارش درآورد به توضیح و تشریح بسیاری از نمادها پرداخته و در تعریف نماد می‌نویسد:

نماد اساساً با علامت فرق می‌کند. علامت یک قرارداد اختیاری است که دال و مدلول (عین و ذهن) نسبت به هم بیگانه‌اند. در حالی که نماد از همگونی دال و مدلول پیش‌انگاشته‌ای دارد و آن را مبنای یک پویایی سازمان‌دهنده می‌داند. (شوالیه، ۱۳۷۸، ۲۷)

«قرارداد» واژه‌ای است که در اکثر تعریفهایی که از طرف اندیشمندان انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی از نماد گردیده وجود دارد. چارلز سندرس پیرس فیلسوف رشته‌ی مطالعاتی، نماد را به عنوان یک علامت تعریف می‌کند که به مصداق خود صرفاً به دلیل داشتن ویژگیهای خودش دلالت می‌کند تا به کمک ارتباطی تصادفی یا «قراردادی» و معتقد بود که می‌توان نماد را به عنوان نشانه‌ای که به دلیل شباهتی که با مصداق خود دارد و بر آن دلالت دارد تعرف کرد. وی معتقد است که نمونه‌ی رنگ تنها زمانی می‌تواند نقش خود را ایفا کند که شباهتی میان آن نمونه و رنگ که بر آن دلالت دارد وجود داشته باشد.

پیرس برای توضیح بیشتر در زمینه‌ی شناخت نماد به تحلیل جمله‌ای می‌پردازد که در هنرهای اولیه مسیحی بکار برده می‌شود و آن جمله این بود: (در هنر اولیه‌ی مسیحی کشتی نشانه‌ی کلیساست) که کشتی بعنوان نماد کلیسا آمده است و این دلیل شباهت نقشهایی است که این دو بازی می‌کنند.

درست همانطور که کشتی مسافران را در مقابل خطر آب دریا حفظ می‌کند و آنان

را به مقصد خود می رساند؛ این اعتقاد وجود دارد که کلیسا نیز انسان را از دامهایی که در دنیا بر سر راه آنها گسترده شده حفظ می کند و آنها را به مقصد نهایی شان رهنمون می شود. (الستون، ۱۳۸۰، ۹۸)

کاملاً روشن است که در تمام این موارد قرارداد وجود دارد به این معنی که قراری گذاشته شد که مثلاً کشتی را به کلیسا یا بالعکس تشبیه نمایند نه با قلعه که می تواند به همان خوبی نماد کلیسا باشد.

در فرهنگ ها و ادیان دیگر نیز مشابه همین تعبیر فراوان دیده می شود؛ در آیات و روایات اسلام نیز پناه بردن و چنگ زدن به قرآن و اهل بیت به سعادت‌مندی دنیا و آخرت تعبیر شده است و یا حدیث معروفی هم امام حسین (ع) را به چراغ روشن راه و کشتی نجات تشبیه می کند (أنا الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه).

جرج ریتزر استاد جامعه شناسی در دانشگاه مریلند آمریکا در کتاب «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر که در ایران توسط محسن ثلاثی ترجمه گردید، در فصل مربوط به نظریه کنش متقابل نمادین به طور مفصل به نماد و کارکردهایش اشاره دارد و با تشریح دیدگاههای جورج هربرت مید، مهمترین اندیشمند بنیانگذار نظریه کنش متقابل به بحث کنش متقابل نمادین اشاره می کند و معتقد است که زندگی اجتماعی هیچگاه وجود پیدا نمی کند مگر آنکه کنشگران نمادهای معنی دار مشترکی داشته باشند.

این واقعیت که نمادهای معنی دار اساساً برای همگان معنای یکسانی دارند و در آدمهایی که این نمادها را به کار می برند و نیز کسانی که در برابر آنها واکنش نشان می دهند واکنشی یکسان بر می انگیزانند، فراگردهای تفکر و عمل کردن و کنش متقابل را آسان می سازد. (ریتزر، ۱۳۸۹، ۲۷۷)

کلود ریویر انسان شناس در کتاب انسان شناسی سیاسی نماد را در رده ارتباطات قرار می دهد و آن را همانند نشانه های زبان شناختی می داند. وی معتقد است که نماد روشی است برای نوعی رمزگذاری عمومی بیان و در عین حال عاملی است در تشویق

انتزاعی کردن ها.

همچون نمادهایی که در پرچم یا نمایش آزادی با زنجیر های پاره شده و نمایش برادری با دست های گره خورده می بینیم. (ریویر، ۱۳۸۶، ۲۸۲)

ریویر معتقد بود که نماد علاوه بر آنکه اعلام یک رابطه است مثل دست دادن یک رعیت با دو دست خود که در درون دستهای گشاد ارباب قرار می گیرد و با این کار اعلام وفاداری می کند، بلکه به آن گرما هم می بخشد، آن را در فضا و زمان به لرزه در می آورد. مثل سلام هیتلری یا هایل هیتلر (Heil Hitler) که بر تصویر رئیس فرهمند ارزشگذاری می کند که گویا همان وفاداری است اما آن شق و رق بودن این حرکت، تمام کالبد را به لرزه در می آورد و نشان دهنده قاطعیت اراده در دفاع از یک آرمان است. به نظر وی نماد دارای فضایی احساسی و هویت بخش هم هستند.

کارکرد نمادها

نمادها علاوه بر آنکه ویژگیهای زیادی دارند، قطعاً دارای کارکردهای زیادی هم هستند که جرج ریتزر در کتاب نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر به چند کارکرد نماد اشاره کرده است.

نخست آنکه نمادها انسانها را قادر می سازند که از طریق نامگذاری، طبقه بندی و یادآوری چیزهایی که در جهان با آن روبرو می شوند، با جهان مادی و اجتماعی برخورد کنند. بدین شیوه انسانها می توانند جهانی را که در غیر اینصورت آشفته بازاری خواهد بود، سر و سامان دهند.

دوم آنکه نماد توانایی انسان را برای درک محیط بهبود می بخشد.

سوم آنکه نمادها توانایی اندیشیدن را بهبود می بخشد.

چهارم آنکه نمادهای توانایی حل مسایل گوناگون را بالا می برند. جانوران بیشتر باید به روش آزمایش و خطا عمل کنند، اما انسان می تواند پیش از گزینش یک کنش،

- درباره انواع گوناگون کنشها به گونه ای نمادین فکر کند.
- پنجم آنکه کاربرد نمادها به کنشگران اجازه می دهد تا از زمان، مکان و حتی شخص خودشان فرا گذرند. کنشگران با کاربرد نمادها می توانند درباره چگونگی زندگی در گذشته یا در آینده تخیل کنند.
- ششم آنکه نمادها ما را قادر می سازند که درباره یک واقعیت ما بعد طبیعی مانند بهشت یا جهنم تخیل کنیم.
- نکته هفتم و از همه مهمتر آنکه نمادها نمی گذارند انسانها اسیر محیط شان شوند. انسانها از این طریق می توانند به جای منفعل بودن فعال گردند. یعنی در اعمالشان متکی به خود باشند. (ریتزر، ۱۳۸۹، ۲۸۵)
- کلود ریویر نیز برای نمادهای سیاسی نقش های اجتماعی قائل شد:
- ۱- تخریب: پرچم ملی به گونه ای خاص، خلاصه ای است از تاریخ پرشکوه و [گاه] اندوهبار یک میهن.
 - ۲- ساده سازی: همچون رقابت میان پرچم سه رنگ و پرچم مزین به گل های سوسن که در ابتدای قرن نوزدهم، تعارض میان رژیم جدید و رژیم قدیم فرانسه را نشان می دهد.
 - ۳- تجسم: نماد به صورتی مشهود تجسمی است از پنداره ها و عواطف از خلال تصاویر.
 - ۴- حافظه: نماد عاملی است برای به خاطر سپردن وقایع بزرگ، شخصیت های بزرگ، لحظات بزرگ.
 - ۵- تأیید: نماد مظهر تأییدی است بر پیوندهای میان یک جماعت و گذشته و سنت های آن.
 - ۶- وحدت: نمادها سبب وحدت یافتن رفتارها درون مناسک جمعی می شوند تا بدین وسیله احساس نیرویی امنیت ساز را ایجاد کنند. (ریویر، ۱۳۸۶، ۲۸۵)

۳- آیین

آیین در تعریف وسیع آن فعالیت است که موجب گذار و انتقال آدمی از جهان فانی به جهان دیگری می‌شود که در آن هر روز زندگی متحول می‌گردد. [...] آیین اساساً «نمایش یک فعل» است و به عنوان عملی نمایشی، این واقعیت را آشکار می‌سازد که شرکت‌کنندگان در آیین درگیر فعالیتی هستند که از طریق آن خویشتن خود را شکل می‌دهند. در طول اجرای مناسک، فاعل و فعل یکی می‌شوند و اجراکنندگان و آیین‌گذاران از طریق اعمال آیینی، متحول می‌شوند و این چرخه بی‌وقفه ادامه می‌یابد. (هوور - بای، ۱۳۸۵، ۲۴۳)

احمد میرعابدینی در مقاله انقلاب آیینی و رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب اسلامی که در فصل نامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی به چاپ رسیده از آیین اینگونه تعریف می‌کند:

آیین شیوه‌های رسمی و منظم شده رفتار فردی در شکل جمعی است. در آیین اعضای گروه و جامعه، به شکل منظم شرکت می‌کنند. اصلی‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری آیین رفتارهای مذهبی‌اند، اما وسعت و گستره رفتار آیینی بسیار فراتر از این حوزه خاص است و بیشتر گروه‌ها به نوع و شکلی اعمال آیینی دارند. (میرعابدینی، ۱۳۸۸، ۲۸)

رسمی بودن، جمعی بودن، منظم بودن، گسترده بودن، ابزار بودن، الگو بودن، سستی بودن و داوطلبانه بودن از مهمترین ویژگیهای آیین می‌باشد که در تعاریف گوناگونی که از آن شده مشاهده می‌شود.

از نظر دورکیم، جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین از مهمترین آنهاست:

آیین ابزاری است که جمع به وسیله آن عقاید جمعی خود را خلق و آنها را تجربه می‌کند و در فرآیند آیین است که ذهن و جسم به وحدت می‌رسند و توأمان در ابراز معنا مشارکت می‌کنند. از نظر ساختارگرایان، آیین‌ها و اسطوره‌ها، فعالیت‌هایی

هستند که به واسطه آنها جوامع همبسته و همساز می‌شوند و نظم اجتماعی، بوسیله ارزش‌های نهفته در آیین درونی ابراز و با در نور دیده شدن تمایز ذهن و جسم و فرد و جمع برقرار می‌شود. (رودنبولر، ۱۳۸۷، ۱۵)

در آثار کلیفورد گیرتز، آیین به شیوه‌ای مغایر با تقلیل‌گرایی دورکیمی استفاده شده است. از نظر وی، بر خلاف دورکیم، آیین‌ها و اسطوره‌ها مهم هستند، اما نه به این دلیل که نظم اجتماعی و مهمتر از آن جهان بینی گروه‌های اجتماعی را باز می‌نمایند. بلکه به این دلیل که آن‌ها را می‌سازند و به مردم الگویی برای شناخت واقعیت می‌دهند. (رودنبولر، ۱۳۸۷، ۱۶)

اریک دلبو رودنبولر در کتاب ارتباطات آیینی، از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده پس از تعاریفی که از آیین از زبان اندیشمندان ارائه می‌دهد و به جمع بندی می‌رسد (آیین ضرورت با یکدیگر زندگی کردن این‌بای بشریت است، ۲۱) به تحلیل ویژگی‌های آیین می‌پردازد که در این قسمت چکیده‌ای از آن را ذکر می‌کنیم:

کنش: اولین نکته راجع به آیین این است که آیین تنها شکل یا فرایندی از تفکر نیست، بلکه شکلی از کنش به شمار می‌آید. آیین چیزی است که مردم با بدنشان انجام می‌دهند، همانطور که با اندیشه‌شان آن را اجرا می‌کنند. آیین شکلی بیرونی دارد.

اجرا: آیین اجرا می‌شود. اجرا عبارت است از «امری که به گونه‌ای زیبا شناسانه مشخص شده و صورتی رفیع از ارتباطات است. در طریقی ویژه، مفید و برای مخاطب خود حالتی نمایشی یافته است.» علاوه بر تاکید زیبا شناختی طبیعت اجرای آیین بر دو خصلت به هم وابسته دلالت می‌کند: آیین اجرای چیزی برای کسی است.

نخست، آیین هرگز در لحظه عمل شدنش ساخته نمی‌شود. بلکه همیشه عملی است مبتنی بر تصورات از پیش موجود. دوم اینکه، آیین همواره برای کسی اجرا می‌شود. در واقع در ادبیات فرهنگ عامه و زبان شناسی اجتماعی، نمایش دادن برای برخی، معمولاً عنصری تعریف کننده برای اجرا فرض می‌شود.

آگاهی، داوطلب بودن: همواره در آیین رگه ای آگاهی و در پی آن داوطلب بودن وجود دارد. مردم به طور آگاهانه در آیین های مربوط به رخدادهای ویژه مشارکت می‌کنند به طوری که اجرا کننده آیین یا شاهد آن هستند و معمولاً می‌دانند که برگزاری آیین چیزی نیست که طبیعتاً یا به طور جسمانی ضروری باشد، بلکه فضیلتی انسانی قلمداد می‌شود.

غیرابزاری یا غیرعقلانی: آیین ممکن است تنها وسیله یا از نظر فنی کارآمدترین وسیله برای تحقق یک هدف نباشد اما می‌تواند کارهای ویژه ای برای تحقق آن انجام دهد. جمعی، اجتماعی: براساس بیشتر تعریف‌ها، آیین چیزی نیست که برخی افراد آن را تنها برای تأمین مقاصد و به شیوه‌های خالص فردی انجام دهند. البته آیین‌ها می‌توانند در خلوت اجرا شوند، اما همیشه در آنها چیزی وجود دارد که به طور اجتماعی ساخت یافته است. بیانگر روابط اجتماعی: آیین «از شیوه‌های رفتاری ای که بیانگر روابط اجتماعی هستند استفاده می‌کند» شکل‌های مختلف کنش‌های آیینی نمادهایی را می‌سازند. این نمادها اغلب به روابط، نظم‌ها و نهادهای اجتماعی ای که آیین در آنها اجرا می‌شود، ارجاع داده می‌شوند. به این ترتیب، برای مثال سر به زیر انداختن و به زمین نگاه کردن یک فرو دست در هنگام دست دادن با یک فرد دست، وضع آیینی رابطه‌فرا دست، فرو دست است.

چگونه نمادها و آیین‌ها مشروعیت بخش می‌شوند؟

در تعریف قدرت گفته اند که «رابطه ای الزام آور بین دو گروه حاکم و فرمانبردار است که در این چهارچوب، دسته ی نخست، گروه دوم را تابع و مطیع اراده ی خود می‌کند و فرمانبردارن نیز اطاعت از حاکمان را حق و مشروع تلقی می‌کنند. (فیرحی، ۱۳۷۸، ۲۰) و زمانی از سوی احاد جامعه پذیرفته می‌شود که مشروع بوده باشد یعنی به باور مردم درآید که این اعمال سیاست، سعادت آنها را در پی خواهد داشت.

امروز قدرت تنها در دست یک فرد حاکم یا یک نظام سیاسی حاکم یا دولت نیست

بلکه به تعبیر اُمرتواکو « قدرت همه جا هست، نه به این دلیل که همه چیز را در بر می‌گیرد، بلکه از این رو که از همه جا نشأت می‌گیرد. (اکو، ۱۳۸۶) » و هدف اعمال آن تابع و مطیع نمودن عده ای کثیر توسط عده ای قلیل است تا بتوانند سیاستها و برنامه های خود را به پیش ببرند و اگر در این مسیر ابزارهایی هم باشد در دست قدرتمندان که این اعمال قدرت بدون کمترین مقاومتی موثر واقع شود و گروه دوم براساس باور و اعتقاد خود پذیرای قدرت باشند در آن صورت قدرت با مشروعیت همراه می‌گردد که نتیجه ی آن می‌تواند برقراری نظم عمومی، ایجاد یکپارچگی اجتماعی، ایجاد همبستگی اجتماعی، مشارکت دادن در امری و بازداشتن از امری دیگر، همراه کردن مردم با سیاستها و... که در راستای اهداف و سیاستهای فرد یا گروه یا طبقه‌ی مسلط شکل می‌گیرد و استمرار نظام حاکم را در پی دارد.

از دیدگاه پارسونز عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی عبارتند از: ۱) ارزشها، ۲) هنجارها، ۳) نمادها و ۴) نقشها. ارزشها غایات زندگی را تعیین و کنشهای افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. کارویژه ی نظام ارزشی هر جامعه ای ایجاد مبانی همبستگی اجتماعی است. (بشیریه، ۱۳۷۰، ۸۵)

نظام ارزشی تأمین کننده مشروعیت سیاسی است و به وضع موجود استمرار می‌بخشد. در نظر دورکیم همبستگی اجتماعی امری طبیعی و اصیل است در حالی که هرگونه تضاد یا تعارض در درون یک جامعه نشانه بیماری و امری غیر طبیعی تلقی می‌شود هم از این رو جوامع سنتی که از همبستگی نوعی مکانیکی یا پیوستگی عاطفی و بی چون و چرای اعضا به این کل پیروی می‌کنند نسبت به جوامع متجدد که تابع همبستگی ارگانیک و ناشی از تقسیم کار اجتماعی است، از اصالت بیشتری برخوردارند. آنچه تحقق این کل را تضمین می‌کند « وجدان جمعی » است که به مثابه رشته پیوند و عنصر مشترک همه اعضای جامعه عمل می‌کند و آنچه در شکل‌گیری این وجدان نقش اساسی ایفا می‌کند نظام نمادهای فرهنگی مثل ارزشها، باورها،

دگمهای مذهبی، ایدئولوژیها و امثال اینهاست. (نقیب زاده، ۱۳۸۵، ۱۲)

نمادها، اسطوره‌ها و آیین‌ها، نظامهایی از ارزشها هستند که اگر از سوی نظام سیاسی بعنوان ابزارهایی برای اعمال قدرت یا کنترل و یا برقراری نظم و همبستگی و یکپارچگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند می‌توانند حاملین خوبی برای این منظور باشند چرا که در باورها و اعتقادات مردم جای دارند.

مردم به حکم ایمان و اعتقاد، سر تسلیم در برابر کلیسا فرود می‌آورند. جلب اطاعت مردم به این شکل هم شامل مراسم و فرایض دینی می‌شد و هم شامل رفتار و کردار دنیوی. شرطی کردن هم به صورت صریح بود و هم به صورت ضمنی. اعتقاد راسخ به اطاعت از کلیسا، قبول اصول و معتقدات آن، با فرهنگ زمانه عجین شده بود. این اعتقادات از پدر و مادر به فرزند می‌رسید و کل جامعه نیز، هم طبیعی‌اش می‌دانستند و هم درست. (گالبرایت، ۱۳۷۱، ۸۴)

در گذشته بسیاری از حکومتها سعی داشتند خود را به یک امر قدسی مرتبط ساخته و آن را مایه مشروعیت خود قرار دهند. در عصر حاکمیتهای الهی، بنیان مشروعیت هم انتساب قدرت حاکم به اراده پروردگار بود. یکپارچگی ملی هم زمینه مشروعیت سیاسی را تقویت می‌کند. اگر در سرزمینی تفرقه قومی و ملی مذهبی وجود داشته باشد هر یک از گروههای اجتماعی معیار خاصی را مبنای مقبولیت رژیم سیاسی قرار می‌دهند. در ایران سه هزار سال تاریخ مشترک، ادبیات فارسی، دهها سمبل زیبا مثل نوروز و مذهب شیعه پشتوانه وحدت ملی است.

افسانه‌های شاهنامه فردوسی هنوز هم نقش مهمی در ذهنیت مردم ایران زمین دارد. دفاع از مظلوم، ارزش شهادت، نگاه پهلوانی به نقشهای اجتماعی و غیره تأثیر خود را بر عالم سیاست برجای می‌گذارد. یادآوری افتخارات ملی و تاکید بر ارزشها و اسطوره‌ها و اعیاد در برانگیختن احساسات و ایجاد همبستگی بین مردم نقش مهمی را ایفا می‌کند که این کار ویژه‌ها یا کاراییهای یک نظام سیاسی است که به کارایی نمادین

(سمبلیک) اشاره دارد.

پذیرش فرهنگ و رسوم و آداب و باورهای یک جامعه از سوی یک فرد، گروه و یا یک طبقه به معنای جامعه پذیری است. یعنی مطابقت دادن رفتارهای فرد، گروه یا طبقه با رفتارها و ارزشهای سطح جامعه و این جامعه پذیری از همان دوران کودکی در فرد شکل می گیرد و از ابزارهای مهم آن انجام آیین ها و برگزاری مراسم نمادین است. نظام های سیاسی به منظور پرورش و تقویت وابستگی های سیاسی شهروندان به نظام حاکم، تقویت گرایش های گروهی، حس میهن پرستی، تسهیل در یادگیری سیاسی بعدی و ایجاد احساس تعلق بیشتر به جامعه سیاسی در نسل جدید، می کوشد تا ارزشهای سیاسی را از طریق انجام آیین ها و برگزاری مراسم نمادین در مدرسه به نسل جدید منتقل سازد. مثل برپایی مراسم احترام به پرچم، خواندن سرود ملی و سرودهای میهنی، یادآوری خاطره قهرمانان ملی و تاریخی، برگزاری مراسم مذهبی و غیر مذهبی، نصب تصاویر رهبران سیاسی کشور بر دیوار، اطاعت از دستوره های معلم، مبصر و سرگروه و انجام فعالیت های فوق برنامه، لذا انجام آیین ها و مراسم نمادین به دو طریق مهم انجام می شود:

الف) اجرای چنین آیین هایی از یک لحاظ احساس ترس آمیخته به احترام را نسبت به نهادهایی که انجام این آیین ها برای آنها صورت گرفته بر می انگیزد و حس میهن پرستی و وفاداری او را نسبت به حکومت و جامعه سیاسی تقویت می کند.

ب) اجرای آیین ها و مراسم در مدارس آثار گروهی و جمعی دارد. سلام صبحگاهی بر پرچم یک نمونه از فعالیتهای دسته جمعی محسوب می شود. (اخترشهری، ۱۳۸۵، ۴۲۷)

امیل دورکیم نیز کارکرد آیینها را در حفظ نظم اجتماعی می داند که بخصوص از طریق عاطفه و همبستگی تجلی پیدا می کند. دورکیم معتقد است که تعطیلات و روزهای مقدس از جمله ایامی هستند که در زندگی عادی وقفه ای ایجاد می کنند و در

این ایام معمولاً مردم دور هم جمع می‌شوند تا برای اندیشیدن و گفتگو و گوش کردن و پذیرفتن پیرامون روابطشان و عقایدشان و اصول اخلاقی شان و وضعیتی که زندگی باید داشته باشد وقت بگذارند.

از نظر دورکیم « وحدت یابی نمادین یک جماعت از خلال گردهمایی دوره ای آن. (ریویر، ۱۳۸۶، ۲۷۵) » یکی از ابعاد یکپارچگی در جامعه است و در این میان مناسک با اختیار کردن گروهی از ضوابط و نقشها در چارچوب نظمی که به بیان در می‌آورد، پیوند اجتماعی یکپارچه کننده را تقویت می‌کند.

مناسک و عمل سیاسی هر دو عواملی هستند برای تحمیل دنباله روی از نظم عمومی که خود شرط هرگونه زندگی و هر گونه موجودیت اجتماعی است.

... در سوی قدرت تظاهر یافته، مناسک ابزاری نمایشی است که به برتری آن قدرت اعتبار می‌بخشد و در نتیجه با ارائه نمادهای برتری، ثروت، اقدامات خیالی که فرد زبردست نسبت به آنها احساس حقارت می‌کند، سبب ایجاد احترام و افتخار می‌شود و به این ترتیب چنین قدرتی می‌تواند بدون دست زدن به خشونت واقعی و تنها با ایجاد احساس نیاز به قدرت برتر الزامات خود را تحمیل کند. (ریویر، ۱۳۸۶، ۲۶۲)

خلاصه آنکه آمال و آرزوی یک نظام سیاسی، ثبات داشتن و جاری و ساری بودن فرامین و سیاستهای گوناگون آن در جامعه و پذیرش بی مقاومت و کم هزینه آن از سوی مردم آن جامعه است و در این میان بدیهی است که ثبات سیاسی یک حکومت جز با نفوذ هر چه بیشتر - که خود از مشتقات مشروعیت می‌باشد - در اذهان و افکار عمومی ممکن نمی‌شود و در این میان استفاده از آیین‌ها، نمادها، اسطوره‌ها و مناسک بعنوان ابزارهایی که در جان و روح جامعه رسوخ کرده و به باورها و اعتقادات دینی و ارزشی آن جامعه تبدیل شده برای گسترش ثبات سیاسی و حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود به وضع مطلوب مورد نظر و برقراری همبستگی اجتماعی، می‌تواند کمک بسیار بزرگی برای اداره کنندگان نظام باشد.

استفاده رسانه‌ها و بخصوص تلویزیون از آیین‌ها و نمادها بعنوان ابزارهای

مشروعیت بخش

جان کنت گالبرایت در کتاب آناتومی قدرت، بعد از تعریف از واژه قدرت آن را به سه دسته: قدرت کیفر دهنده، قدرت پاداش دهنده و قدرت شرطی تقسیم می‌کند و دو نوع اول قدرت را نتیجه اجبار و پاداش می‌داند که هر چند هر سه این قدرت از سه منبع شخصیت، مالکیت و سازمان نشأت می‌گیرند اما قدرت شرطی قرابت بیشتر با سازمان داشته چرا که لازمه سازمان و ادار کردن و در نتیجه تسلیم کردن در برابر هدفهای آن است.

قدرت شرطی حاصل جریانی است که از تشویق عینی و مرئی شروع شده و تا معتقد ساختن فرد به صحت ذاتی یک چیز در بافت اجتماعی خود ادامه می‌یابد. همانطور که گفتیم، این قدرت می‌تواند صریح یعنی ماحصل تلاشی مستقیم و مرئی و برای جلب اعتقادی باشد که خود بازگوی مقاصد فرد یا گروهی جویای قدرت یا اعمال کننده قدرت است. (گالبرایت، ۱۳۷۱، ۳۲)

کشاکش موجود بر سر دستیابی به رسانه‌ها به اندازه کافی نشان می‌دهد که چقدر پای قدرت در میان است که هدف اصلی تسلیم بعضی در مقابل مقاصد دیگران است. رسانه‌ها نیز از جمله سازمانهایی هستند که با استفاده از قدرت شرطی در جهت اقناع یا متقاعد کردن مخاطبان خود بر می‌آیند، هر چند که استفاده از قدرت کیفر دهنده و قدرت پاداش دهنده هم تا حدودی در آن مشهود و محسوس می‌شود اما ذات رسانه‌ها برای انتقال پیام و اقناع مخاطب همراه با شرطی کردن و ترغیب کردن آنهاست.

دیدن و شنیدن پیام‌های وسایل ارتباط جمعی ممکن است باعث تغییرات مهمی در رفتار اشخاص شود. تحت برخی شرایط این تأثیرات، ایمان، باورها، دیدگاهها و مشخصات اجتماعی می‌شود و گرایش‌های سیاسی آنها را تغییر می‌دهد. پیام‌های رسانه‌ها گاه باعث تغییر اعمال مخاطبان می‌شود و در واقع آنها را تشویق به خرید

اوراق هدیه، تغییر لباس و قبول مد خاصی، ترک استعمال دخانیات، رای دادن به اشخاص معین، رژیم گرفتن و یا در پیش گرفتن یکی از اشکال رفتاری پیشنهاد می‌کند. (دفلور - اورت، ۱۳۸۶، ۵۳)

رسانه های اطلاعاتی و خبری واسطه اصلی بین سیاستگذاران و توده مردم اند. رسانه ها توده ها را بسیج می کنند تا اندیشه های جدید و تکنیکهای مدرن را که از سوی سیاستگذاران معرفی می شود را بپذیرند و وظیفه دشوار رسانه ها این است که با استفاده از روشهای گوناگون ساختار سیاسی با ثبات و پایداری رو بنا کنند که در این میان متحد کردن همه مردم کشور و واداشتن آنان به مشارکت در طرحهای توسعه و برنامه های سیاستگذاران از اولویت های رسانه ها بخصوص رسانه های دولتی است. سیاستمداران نیز با اطلاع دقیق از اهمیت وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو، تلویزیون و مطبوعات و اخیراً هم ماهواره ها و اینترنت اقبال زیادی برای بهره برداری از آنها در جهت اعمال قدرت بر مردم و کنترل و هدایت رفتارهای آنها مطابق میل خود نشان می دهند یعنی شکل دادن به افکار عمومی و جهت دادن به آن.

همه اینها زمانی نتیجه مطلوب ارائه می دهد که مخاطب پیامی که دریافت می کند را بپذیرد و پیامها هم زمانی تأثیر بسیار دارند که در جهت عقاید، اعتقادات و تمایلات موجود قرار داشته باشند و چون آیین ها، نمادها، اسطوره ها و مناسک در جهت عقاید آنها و در باور آنها نقش بسته بنابراین پیامهایی که از آیین ها، نمادها، اسطوره ها و مناسک نشأت می گیرد بر جان و دل مخاطب می نشیند.

هر روز و در ساعات مختلفی از آن شاهد پخش مراسم های مختلف، گردهمایی های گوناگون، سخنرانی های متنوع، ترانه های ملی و مذهبی فراوان، تصاویر افتخارآمیز، غرور انگیز و دهها برنامه دیگر هدایت شده از طریق شبکه های بومی - محلی و ملی تا ماهواره های تلویزیونی هستیم که اینها به نوعی با آیین های مختلف انجام می شوند و هر کدام از آنها کار ویژه های خاص خود را دارند.

مراسم و تشریفات سیاسی و مدنی و سخنرانی های عمومی همراه با آنها، صور اجتماعی شناخته شده ای را می سازند. [...] پوشش رسانه ای اغلب عنصر مهمی از فرآیند آیینی کردن است. [...] جایگاه باید چیده شود، جماعت گرد هم بیایند و جزئیات باید مراعات شود. همه اینها بدان دلیلی است که شکلی آیینی فراهم آید. تقریباً این موارد در خدمت کارکردهای آیینی هستند. پخش رویدادهای سیاسی و نظامی از طریق شبکه های تلویزیونی هم بعنوان آیین های ویژه می تواند تأثیر بخش بوده و نتیجه مورد نظر سیاست گذاران را در پی داشته باشد.

مبارزات انتخاباتی «آیین های اجتماع» می شود که تجسم ارزش های ملی است. [...] مبارزات انتخاباتی همانند آیین، رسوم سیاسی، سنن و طرح ها را فشرده می کند و در این میان رأی دادن، این نماد برتر مجموعه ای از معانی عمومی را در خود می گنجاند. (همان منبع، ۱۷۵)

بنابراین پخش هر یک از این آیین ها و نمادها از طریق تلویزیون نوعی مشروعیت بخشی یا نشان از اقتدار نظام دارد که در مجموع ثبات و نظم و اطاعت را در پی دارد. ما فرمان آیین که غیر مستقیم فرمان حکومت هم می شود را می پذیریم، چنانکه گویی قدرت مادی است و ما در مقابل او هیچ قدرتی نداریم. مشارکت در آیین تسلیم ارادی اراده و پذیرش فکورانه یک نظام فکری تحمیلی است.

آیین های ملی برای سرسپردگی، آیین های رابطه برای عشق، آیین های دوستی برای وفاداری، آیین های اقتدار برای فرمانبری و آیین های ادب برای شهروندی، همه نمونه های تسلیم ارادی خود به نظامی بیرونی از نشانه ها با ضمانت اجتماع است.

بهره برداری از نمادها و آیین ها در صدا و سیما

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ جمله ای کوتاه از رادیو ملی ایران پخش شد که پس از آن سمت و سوی همه برنامه های رادیو و تلویزیون ملی ایران تغییر یافت و آن جمله این

بود: « ملت عزیز ایران!... این صدای انقلاب است »

قیام بهمن ۱۳۵۷ که بیش از سه دهه ی پیش روی داد، انقلابی آیینی را به دنبال داشت، انقلابی بزرگ که به « یاری » رسانه های کوچک « شکل » گرفت. این انقلاب نمایش وسیع و عمیقی از شکل ها (forms)، شمایل ها (icons)، صداها و رنگ ها را احیا، ایجاد، بازسازی و راهی رسانه ها کرد. (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ص ۳)

امام خمینی (ره) به عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی بارها بر نقش مهم رسانه ها و رسالت آنان تاکید کرده اند. به عقیده ایشان «رسانه های گروهی بویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی، می توانند خدمت های گرانمایه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. رسانه باید روشنگری داشته باشد و مردم را هدایت کند.» برای مثال صدا و سیما یک دانشگاه عمومی است یعنی دانشگاهی است که در سطح کشور گسترده است و باید به اندازه ای که می شود از آن استفاده کرد. از نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی «رادیو تلویزیون یک دانشگاه آموزشی است.»

بنابراین از دیدگاه امام، رسانه ها نه تنها نقش معلم را ایفا می کنند بلکه باید « مربی » باشند و تقوا را در جامعه منتشر کنند. «تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند» و هر یک باید تلاش کنند تا نتیجه کار آنها مخاطبان را «ببرد طرف مستقیم». (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ۱۲)

انقلاب ایران که با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به پیروزی رسید و با بهره گیری از فرهنگ قیام عاشورا، آزادمردی و قیام علیه ظلم و ستم را سرلوحه خویش قرار داد در صدد برآمد تا این معیارها را در جامعه هم متبلور سازد، به همین منظور تاکید رهبران آن این بود که رسانه صدا و سیما باید این حرکت ها و جوشش ها را بوجود بیاورد و صدا و سیما هم در راستای این منویات سیاست های خویش را اجرا می کرد.

در جریان این انقلاب تمامی انواع و اشکال آیینهای اسلامی و بویژه شیعی به کار گرفته شدند تا مردم را به سوی هدف های انقلاب اسلامی بسیج و تمامیت قدرت را

کسب و حفظ کنند و به سطوح و ابعاد مختلف حیات اجتماعی بسط دهند. در جریان انقلاب، جنگ، سازندگی و پس از آن رهبران مذهبی و سیاسی به یاری ارتباطات سنتی و رسانه های مدرن توده های مردم را در مسیر هدف های انقلاب اسلامی به حرکت درآوردند و «در صحنه» نگاه داشتند. (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ۳)

انقلاب اسلامی ایران دارای شعارها و اهداف دینی بود که به دنبال دوره ای از حاکمیت خاندان پهلوی و ایدئولوژی غربگرایانه و باستانگرایانه آنها به نفی هر دوی این ویژگیها (غربگرایی و باستانگرایی) پرداخت. اسلامگرایی نهفته در ذات انقلاب سال ۱۳۵۷ در کنار تلاشهای اسلام ستیزانه دولت طی دوره نیم قرن پیش از انقلاب باعث شد که دولت اسلامی به بازسازی یکی از مؤلفه های هویت ایرانی اهتمام ورزد. هویت جدید هویتی مبتنی بر اسلام بود که ایرانی بودن تحت الشعاع آن قرار گرفت. پس از انقلاب ارزشهای جدیدی جایگزین ارزشهای برجای مانده از نظام سیاسی گذشته ابداع شدند و هنجارهای انقلابی و اسلامی تقویت گردیدند. آیین ها و نمادها نیز از این قاعده مستثنی نبودند. در طول این سالها، آیین های گوناگون به انقلاب یاری دادند تا شکل بگیرد، تثبیت شود و تداوم یابد.

انقلاب اسلامی برای خلع قدرت از دست حکومت پهلوی، براساس آموزه های شیعی از آیین های ظلم ستیز و بخصوص آیین های محرم و پویژه عاشورا و تاسوعا - که شهادت طلبی واقعه کربلا و رویدادها و حماسه های قبل از آن را تداعی می کند - بهره گرفت. قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، راهپیمایی های بزرگ تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷، همه و همه برگرفته از این آموزه و آیین شهادت طلبی و ظلم ستیزی بود تا نیروهای مردمی را در جهت خلع قدرت بسیج کند.

اما در مرحله بعد از انقلاب مراحل تثبیت و تحکیم و هویت بخشی به قدرت علاوه بر اینکه از آیین های محرم بهره گرفته می شد تا اسلام و حکومت اسلامی پایدار بماند؛ «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»، آیین های دیگری موثر

بودند که در مرکز آنها آیین های وحدت بخش نماز، نماز جماعت و بویژه نماز جمعه نقش محوری داشت.

در تمامی این مراحل، نماز به عنوان ارتباط فردی، نماز جماعت همچون ارتباط گروهی و نماز جمعه به مثابه ارتباط عمومی و بویژه بعنوان ارتباط سیاسی و فراگیر، به یاری رسانه های جمعی در زمینه های سازماندهی، هماهنگی، مدیریت، اصلاح مسیر، دستورگذاری یا برجسته سازی، نظارت، ارشاد، هدایت و آموزش، در تمامی صحنه ها و نهادهای اجتماعی حضور فعال داشتند. (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ۵۳)

آیین های مذهبی - شیعی حضور دائم مردم در صحنه را سبب می شوند و به دنبال آن از طریق انواع مناسبت ها سعی شد تا سایر نیروهای «غیر خودی» را حذف یا تضعیف کنند و باعث استحکام و پیشبرد انقلاب گردند.

نماز جمعه از جمله این آیین ها بود که به دلیل گستردگی آن، تکرار منظم آن و حضور پررنگ مردم در آن به یک رسانه فراگیر برای نظام تبدیل گردید که با هماهنگی مجامعی چون شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، در مقام رهبران سیاسی جدید مسائل جامعه را از نگاه رهبری نظام مطرح می ساختند تا مردم بدان ها گوش دهند و اجرا نمایند و همینطور نقطه نظرات خود را که بعنوان راه حلهایی برای مسائل گوناگون کشور بود به دولت ابلاغ می کردند و نظرهای نظارتی، ارشادی و هدایتی خود را اعمال می نمودند.

هفته وحدت که از جمله ابتکارات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص میلاد پیامبر اکرم (ص) برگزار می شود، مکمل عاشورا و سایر برنامه های خاص شیعیان است که جمعیت اهل سنت کشور را هم در بر می گیرد. با توجه به هدف وحدت بخشی مراسم و آیین های خاص این هفته، می توان از آن در جهت ایجاد وحدت ملی - مذهبی بهره گرفت.

از دیگر آیین هایی که پس از انقلاب اسلامی بنیان نهاده شد و می توان گفت یکی از مهمترین این آیین هاست، مراسم دهه فجر و بیست و دوم بهمن است.

این مراسم طی ده روز انجام می گیرد و در این روزها ادارات و مراکز دولتی برنامه های خاصی را برای آشناسازی کارکنان خود با انقلاب اسلامی تدارک می بینند. اوج این مراسم راهپیمایی روز بیست و دوم بهمن ماه است که به تدریج شکل کارناوالی به خود گرفته است. هر ساله شعارها و پلاکارد نوشته های این مراسم بیان کننده مسائل و چالشهای مهم آن سال است. در تهران مراسم بصورت راهپیمایی از مناطق مختلف آغاز شده به میدان آزادی ختم می شود و در این مراسم معمولاً رئیس جمهور به سخنرانی می پردازد و سپس قطعنامه راهپیمایی قرائت می شود.

در طی مسیر برنامه های تفریحی برای شرکت کنندگان (در تهران) تدارک دیده شده است که از جمله آنها حضور هنرمندان و ورزشکاران محبوب مردم در سگوهایی خاص و ارتباط آنها با مردم است. ستاد برگزاری مراسم دهه فجر پوسترها و پلاکاردهایی را برای این مراسم منتشر می کند که باعث هماهنگی شعارها می شود. ماهیت کارناوالی این مراسم باعث شده است تا شرکت کنندگان از طیف های متفاوت باشند و تنها به افراد مذهبی یا دارای گرایش خاص محدود نمی شود. (مرشدی زاده، ۱۳۸۷، ۹۵ - ۹۴)

آیین هایی مانند نوروز، چهارشنبه سوری، سیزده بدر، جشن مهرگان، جشن سده (که دو مورد اخیر تاحدودی منسوخ شده است، مراسم شب یلدا، اعیاد فطر، قربان و غدیر به همراه چند آیین ذکر شده چون عاشورا، تاسوعا و نماز جمعه و... آیین هایی هستند که از قبل از انقلاب برجای ماندند و چون موجب تقویت همبستگی و هویت ایرانی و یا ایرانی - اسلامی می شدند، پس از انقلاب یا به شدت تقویت گردیده یا به همان صورت حفظ شدند.

یکی از این مراسم ها و آیین های بسیار بزرگ و مهم برای ما ایرانیان چه قبل از انقلاب و چه پس از آن، نوروز، عید باستانی ملت ایران است و در تمامی سرزمینهایی که زمانی قلمرو ایران بودند هم رواج دارد. گرد هم آمدن خانواده و مردم دور سفره

هفت سین در زمان تحویل سال، عید دیدنی و دید و بازدیدها، فرصت داشتن برای مسافرتها و رونق بازارها از جمله آیین های این عید باستانی است که موجب تقویت حس همبستگی ملی در جامعه می شود. طی سالهای پس از انقلاب نیز تلاش شده تا رنگ و بوی اسلامی آن بیشتر شود. برگزاری مراسم سال تحویل در کنار قبور شهدا، کنار حرم امام رضا (ع) و امامزادگان و نیز در سالهای اخیر حرم امام خمینی (ره) از جمله تلاشهای صورت گرفته برای اسلامی - ایرانی کردن این آیین بزرگ است.

ایران کهن در طول تاریخ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود در هر زمینه ای نمادهای کهن و ارزشمندی به دنیا معرفی کرد، اما در هر مقطعی بنا بر مقتضیات سیاسی و اجتماعی این نمادها دستخوش تغییراتی شدند. انقلاب هم به دلیل ذاتی خود که دگرگون ساز و تغییردهنده بنیادین ساختارهاست هم، چنین دگرگونی ها را در نمادها به وجود می آورد. انقلاب اسلامی ایران به طریق اولی ارزشها و هنجارهای نظام سلطنتی و طاغوتی را مردود شمرده و در نتیجه نمادهای آن را نیز تقیح کرد.

پرچم سه رنگ ایران مهمترین نمادی است که ایران را با آن می شناسند. هر چند این پرچم در طول تاریخ دچار دستخوش تغییراتی شده بود، اما کلیت سه رنگ خود را حفظ کرده و بعنوان نمادی قابل احترام در سراسر کشور در اهتزاز است. بی احترامی به آن یعنی بی احترامی به ملت، افراشته شدن آن در مراسم های مختلف سیاسی، اجتماعی و نظامی و تعظیم در برابر آن در مراسم مختلف، حکایت از اهمیت بالای این نماد ملی دارد.

تاج بعنوان نماد سلطنت و نیز تخت طاوس هم بعنوان نماد سلطنت به طور کامل حذف شدند. نمادهای برگرفته از نقشهای ایران باستان مانند جام مارلیک، شیرسرسون تخت جمشید و تصویرهای مربوط به تخت جمشید (پارسه) و اماکن یا تصاویری که به نوعی با پادشاهان یا تاریخ شاهنشاهی ایران در ارتباط بود یا به طور کامل حذف شدند و یا استفاده های اندکی از آنها شده است. نگاهی به تمبرها و اسکناسهای چاپ شده در طول ۲۸ سال بعد از انقلاب نشان دهنده این موضوع است که از این نمادها بهره گرفته نشد.

از جمله نمادهای اسلامی و انقلابی که بعد از انقلاب اسلامی احیاء یا ابداع شدند عبارتند از «لاله» و «خون» بعنوان نماد شهادت و شهادت طلبی، سلاح (تفنگ یا شمشیر) نماد مبارزه جویی و جهاد در راه خدا، کعبه، محراب، گلدسته، پرچم سبز و گنبد بعنوان نمادهایی نشان دهنده اسلام و دینی بودن حکومت یا نهاد مربوطه، «لا» به معنای نفی سلطه، کبوتر سفید و شاخه زیتون به عنوان نمادهایی عام و جهانی که در نشانه های موجود در جمهوری اسلامی نیز یافت می شود. (مرشدی زاده، ۱۳۸۷، ۸۸)

استفاده از نمادهای اسلامی در طراحی های آرمهای مختلف نهادها و سازمانهای برآمده از انقلاب نیز به وفور مشاهده می شود و هر یک از این نمادها و سازمانها به فراخور رسالتی که بر دوش خود دارند از این نمادها برای معرفی آن رسالت استفاده نمودند تا در کوتاهترین زمان و گویاترین بیان، رسالت خود را اعلام کنند.

به عنوان مثال در آرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شاهد حضور سلاح (جهاد)، کلمه «لا» (نفی سلطه در پایین اسلحه و مشتکی که در انتها الیه کلمه «لا» اسلحه را در دست گرفته (مقاومت)، شاخه زیتون (صلح طلبی)، نقشی از کره زمین (جهانی بودن حوزه فعالیت) و آیه «و اعدو لهم ما استطعتم من قوه» (مجهز شدن و تدارک سلاح دیدن) بر می خوریم. در آرم بنیاد شهید انقلاب اسلامی نشانه هایی مانند لاله و خون (شهادت) و کبوتری که از آن خون که در وسط لاله قرار گرفته است، می نوشد. در آرم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران دو «لا» در جهاتی مخالف هم قرار گرفته اند که به معنای نفی سلطه شرق و غرب است. (همان جا)

هفته وحدت، نیمه شعبان، پیروزی انقلاب اسلامی، پانزده خرداد، نوروز باستانی، هفته دولت و دهها نماد انقلابی، ملی و اسلامی دیگری در طول دهه های اخیر بعد از انقلاب بر تمبرهای ایران نقش بست که هر کدام پیامهایی را بدنبال خود دارد.

شخصیت های اسطوره ای و واقعی طول تاریخ ایران، شخصیت های ملی و مذهبی، تصاویر شهدا و سرداران شهید جنگ تحمیلی، تصاویر و تمثالها و مجسمه های

شاعران، نویسندگان، عالمان دینی، ورزشکاران و دهها شخصیت دیگر هر کدام نمادهایی برای معرفی واقعه ای، پیامی و یا الگویی معرفی شدند.

یکی دیگر از نمادها، نماد موسیقایی یا سرود ملی است که به همراه پرچم و نماد خاص، نمادهای سه گانه هر کشور را تشکیل می دهند. سرود جمهوری اسلامی ایران سرودی بود که شعر آن را ابوالقاسم حالت سروده بود و با این مطلع آغاز می شد:

شد جمهوری اسلامی به پا که هم دین دهد هم دنیا به ما

این سرود در سال ۱۳۷۱ تغییر یافت و سرود زیر که توسط جمعی از شعرا سروده شده است جای آن را گرفت.

سر زد از افق، مهر خاوران، فروغ دیده حق باوران

بهمن فر ایمان ماست، پیامت ای امام، استقلال آزادی، نقش جان ماست

شهیدان پیچیده در گوش زمان فریادتان، پاینده مانی و جاودان، جمهوری اسلامی ایران در سرود نخست، در کنار واژگانی مانند اسلامی، خدا، دین، ایمان، اصطلاح جمهوری اسلامی، ایران، اتحاد و شور سلحشوری نیز وجود دارد که برانگیزاننده همبستگی ملی است. در سرود دوم این تناسب بیشتر خصلت ایرانی پیدا کرده است. در این سرود در کنار اصطلاحات حق باوران، ایمان، اسلامی و شهیدان، از مهر خاوران برای اشاره به انقلاب اسلامی ایران استفاده شده است. از بهمن، ماه پیروزی انقلاب به عنوان فر ایمان یاد شده است.

همه این آیین ها، مناسک و نمادها در طول تاریخ با گوشت و پوست مردم این سرزمین عجین گردیده و تبدیل به آداب و رسوم و فرهنگ شد و به آنها به دیده احترام و عزت نگاه می کنند و همواره از پیامهای آنها بهره مند می شوند و در صدد حفظ و حراست از این آیین ها و نمادها و پیامهایشان بر می آیند.

بنابراین هر کدام از این آیین ها و نمادها در راستای حفظ وحدت، همبستگی ملی، عزتمندی دینی و اسلامی، تقویت هویت ایرانی - اسلامی و مشروعیت بخشی به نظام

کارکرد های خاص خود را ایفا می کنند.

تبلور این آیین ها و نمادها در برنامه سازیهای صدا و سیما به تناسب ایام و مناسبتها، فراوان است که بیان موردی هر یک از آنها به وقت زیاد نیازمند است. اما برای نمونه به دو مورد از این مناسک و آیین که ذکرشان رفت به تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت.

محرم و عاشورا

ماه محرم و دهه اول آن و بخصوص روزهای تاسوعا و عاشورا یکی از حوادث و نقاط تاریخ ساز و تأثیرگذار در مسیر دین اسلام و بخصوص مذهب تشیع است. همه مسلمانان و بخصوص مسلمانان شیعی مذهب از کودکی با نام حسین و محرم و عاشورا و عزاداری این ماه شریف آشنا هستند و این جریان در طول تاریخ شیعی موجب بروز رفتارهای عزتمندی، غیرت، جوانمردی، فداکاری، شهادت طلبی و... در میان مردان و زنان شیعه مذهب گردیده و همواره بعنوان یکی از پشتوانه های سترگ ظلم ستیزی و آزادیخواهی برای جامعه تشیع مورد استفاده قرار گرفت.

همه ما تقریباً با تاریخ این رویداد بزرگ آشنا هستیم، امام حسین با هدف اصلاح دین جدش قیام می کند و با عدم قبول بیعت با نماد ظلم و ستم و تباهی یعنی یزید، خون خود و خانواده خویش را در راه آزادگی اهدا می کند و همین خون و پیام آن که از سوی پیام رسان واقعه کربلا به گوش جهانیان رسید، نقطه ی عطفی شد که زمینه رشادتها، شهادتها، جانفشانی ها، ظلم ستیزی ها و سازش نپذیرفتن های بعد از خود را آماده ساخت. تا جایی که امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران می فرماید: « محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است ».

امام خمینی (ره) نهضت خود را متکی بر نهضت امام حسین (ع) می دانست. تاریخ مبارزات، فداکاری و ایثارگری های مردم مسلمان کشورمان به رهبری ایشان، به خوبی

نشان می‌دهد که در ایام ماه محرم، به خصوص تاسوعا و عاشورا، بیشترین ضربه بر پیکر رژیم ظالم پهلوی وارد آمد، چرا که محرم، ماه خون، ماه شهادت یا عید خون تشیع و تاسوعا و عاشورای حسینی نقطه اوج انقلاب و جولانگاه کفن پوشان و عاشقان شهادت بود. (اسحاقی، ۱۳۸۷، ۴۷)

امام خمینی با بهره‌گیری از مناسبت عاشورای حسینی، حکومت پهلوی را با دودمان بنی امیه و یزید مقایسه کرده و جالب آن است شعارهایی که مردم در طول این اعتراض‌ها علیه رژیم پهلوی سر می‌دادند اشاره مستقیم به نهضت عاشورای حسینی داشت. شعارهایی چون: خمینی تو فرزند حسینی.

آیین بزرگداشت محرم و عاشورا و مراسم‌های مختلف آن بعد از انقلاب اسلامی بخصوص بیشتر از همیشه مورد توجه قرار گرفت و به دلیل ویژگی‌های گسترده‌ای که داشت از سوی حکومت اسلامی بعد از انقلاب همواره تقویت شد و بهره‌های فراوانی هم به حکومت بعد از انقلاب رساند.

ویژگی ایثار و رشادت و شهادت موجب شد تا انقلاب به پیروزی برسد و در عرصه‌های مختلف پس از آن نیز همواره موجب حفظ انقلاب شد. ویژگی آزادمردی و آزادگی هم خصلت پهلوانی و روحیه مردمی بودن را تقویت کرده و از این طریق نیز به کمک حکومت آمد.

ویژگی ایستادگی، سازش ناپذیری در برابر ظلم هم همواره مردم را به صحنه آورده و در جهت اهداف سیاستهای رهبران انقلاب و نظام حرکت‌های بزرگی را رقم زده است. ویژگی عزاداری این آیین بزرگ و مراسم‌های مختلف عزاداری و گریه بر مصائب قیام کربلا سبب می‌گردد تا دل‌های مردم رثوف تر و موجب وحدت بیشتر مردم با هم و با رهبران انقلاب شود و همین ویژگی و چندین ویژگی دیگر سبب تقویت این اتحاد و وحدت و نیز مشروعیت‌پذیری نظام جمهوری اسلامی شد.

رادیو و تلویزیون ملی بعد از انقلاب و صدا و سیما یا رسانه ملی اکنون بعنوان یکی

از ارگانها و نهادهای وابسته به حکومت و متأثر از انقلاب اسلامی از همان آغازین روزهای پیروزی انقلاب رویکردی تازه و جدی به محرم و آیین های این ماه اسلامی و قیام عاشورایی آن نشان داد.

پخش مکرر راهپیمایی های بزرگ تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ در ماههای آغازین انقلاب اسلامی تا امروز که به ساخت و تولید و پخش فیلم ها و سریالهای بزرگ و پر هزینه تاریخی مرتبط با قیام امام حسین که جدیدترین آنها مختارنامه با هزینه اعلام شده ۲۰ میلیارد تومان در حال پخش است، نشان از این دارد که متولیان امر رسانه که مجری سیاستهای نظام هستند برای جلب نظر مساعد مردم به تقویت این آیین مقدس در نزد مردم می پردازند. در آن سو مردم هم با درسها و پیامهایی که از این قیام بزرگ گرفته اند در حفظ و حراست از حکومت اسلامی تلاش می کنند و این ارتباط دوسویه افزایش مشروعیت را برای نظام اسلامی در پی دارد.

پخش سخنرانی های رهبران انقلاب به مناسبتهای محرم و عاشورا از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز همواره در رسانه ملی مرسوم بوده و موجب تقویت اعتماد مردم به رهبران و حکومت خود می شود.

امام خمینی در پیام خود به ملت ایران به مناسبت فرارسیدن محرم در تاریخ ۵۷/۹/۱ که در بخشهای مختلف خبری رادیو تلویزیون آن تاریخ منعکس گردید، فرمودند:

مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوهتر و فشرده تر برپا شود و بیرقهای خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هرچه بیشتر افراشته شود. (آرشیو خبر صدا و سیما، خبر ساعت ۱۴، تاریخ ۵۷/۹/۱)

بعد از سخنرانی ها، پخش مراسم عزاداری مردم و نیز پخش آیین های مختلف این قیام از جمله، دسته روی ها، عکم گردانی ها، نخل گردانی ها، مراسم قالی شویان مشهد

اردهال کاشان، پخش تعزیه های مناطق مختلف کشور، پخش موسیقی ها و ترانه های عزاداری امام حسین در نقاط مختلف کشور، پخش آیین های ویژه شام غریبان و دهها آیین دیگر در نقاط مختلف کشور که همه نمادی از حماسه حسینی را به تصویر می کشند، از شبکه های مختلف صدا و سیما سبب اقبال مردم به این رسانه فراگیر بخصوص در ایام محرم و صفر می شود و آن را نشان دینی و اسلامی بودن برنامه های صدا و سیما می دانند و چون خود خواستار تقویت این آیین ها و مراسم هستند بالطبع به مجریان و سیاستگذاران رسانه که منصوب نظام هستند اقبال و اعتماد بیشتری نشان می دهند.

فیلم ها و سریال ها و تله تئاترهای مختلف و زیادی در آرشیو مرکزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران وجود دارند که بعضی از آنها کوتاه و کوچک و بعضی از آنها بلند و بزرگ و سنگین از لحاظ حجم کاری بودند که در تاریخ های گوناگون از شبکه های مختلف تلویزیونی در مناسبت ها و ایام خاص بخصوص محرم و صفر هر سال و چه بسا بعد از آن پخش می شد که بسیاری از آنها با اقبال زیاد مردم مواجه می شدند. فیلم های: سفیر، روز واقعه، سریال شب دهم، معصومیت از دست رفته و دهها فیلم و سریال دیگر در این حوزه را می توان نام برد.

به هر حال استفاده رسانه ملی از این آیین در برنامه سازیهای خود بسیار زیاد بوده، چرا که به حساسیت های جامعه مسلمانان ایران آگاه بوده و بنابراین در راستای جلب اعتماد مخاطبان به تهیه و پخش برنامه ها، سخنرانی ها، فیلم ها و سریالهای مرتبط با موضوع محرم و عاشورا می پردازد و موجب تقویت مشروعیت می شود.

نماز جمعه بعنوان مهمترین آیین مشروعیت ساز

مهمترین آیین های عبادی سیاسی در ایران بر مبنای معیار قدرت سیاسی به نماز و شکل های گوناگون اجتماعی آن مربوط می شود. نماز (فردی / انفرادی) مهمترین آیین عبادی - اجتماعی در شکل فردی، نماز جماعت مهمترین آیین عبادی - سیاسی گروهی و

نماز جمعه مهمترین آیین عبادی سیاسی عمومی بوده است. تمامی این آیین ها بعنوان عمده ترین مناسک و اعمال فردی، گروهی، عبادی - سیاسی در ایران به شمار می روند.

نماز جمعه تنها آیینی است که در طول سال بیش از ۵۵ بار یعنی در تمامی جمعه های هفته در سال در سراسر ایران برگزار می شود و با استقبال مردم به یکی از پر نفوذترین آیین ها و شاید رسانه ها در ایران تبدیل شده باشد و به همین خاطر است که جایگاه بس والایی در عرصه عبادی - سیاسی جامعه ایران دارد و بعنوان تأثیرگذارترین آیین در میان مردم و مسئولان است.

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در تاریخ سوم آذر هزار و سیصد و شصت و یک در دیدار با گروهی از ائمه جمعه سراسر کشور در مورد تأثیر نماز جمعه و اهمیت جایگاه ائمه جمعه می فرماید:

«ائمه جمعه باید توجه داشته باشند که یکی از موثرترین قشرهای جامعه به حساب می آیند و باید توجه داشته باشند که مردم گوششان به اینهاست و در اجتماع ائمه [نماز] جمعه سعی می کنند ببینند امام جمعه چه می گوید. از اینرو سعی شود خطبه ها پر محتوا باشد. در خطبه ها باید امر به تقوا و اینگونه مسائل رعایت شود و هم مردم را به وحدت و حضور در صحنه دعوت نمایند.» (خمینی، ۱۳۷۶، ۲۲۰)

بلافاصله بعد از انقلاب با اقامه اولین نماز جمعه در تهران در روز جمعه ۵ مرداد ۱۳۵۸، این نماز به طور مستقیم از تلویزیون ملی ایران پخش شد و از آن تاریخ تمام نماز جمعه های تهران مستقیم از رادیو و با فاصله اندکی از زمان برگزاری که به چند ساعت هم نمی رسد از شبکه اول سیما پخش می شود و خطبه های نماز جمعه قم نیز مستقیم از شبکه رادیویی معارف و نیز از شبکه دو جمهوری اسلامی یک روز بعد از برگزاری پخش می شود و مراکز صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز اقدام به پخش خطبه های نماز جمعه مراکز استانها که توسط نماینده ولی فقیه ایراد می شود، می نمایند.

نماز جمعه بعنوان یک عبادت دسته جمعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در

سراسر کشور گسترش یافت و روز به روز به منزلت آن افزوده شد. این عبادت به جهت ویژگی‌های بی‌نظیر از اهمیت فوق‌العاده‌ای در توسعه جامعه اسلامی برخوردار است. ویژگی نخست: حضور سیل عظیم مردم در آن است که به عنوان پشتوانه‌ای قوی به حساب می‌آید. دوم: به لحاظ موضوع خطبه‌های آن است که بیشتر سیاسی - اجتماعی است و در روشنگری اذهان و افشای خطرات پیش رو اهمیت بسزایی دارد و سوم: به جهت عبادی بودن و اخلاص در آن.

هر سه ویژگی ذکر شده که در متن نماز جمعه وجود دارد نتایج مهمی هم برای نظام اسلامی به دنبال دارد که از اهداف حکومت هم محسوب می‌شود و آن تقویت وحدت مسلمانان است. حضرت امام خمینی (ره) در مورد نماز جمعه به عنوان نمایش قدرت اسلامی می‌فرماید:

نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است. نماز جمعه با شکوهمندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است... (تقوی، ۱۳۷۴، ۶۱)

آگاه کردن مردم از مسائل گوناگون کشوری و بین‌المللی و مشارکت دادن مردم در اطلاعات و جریان‌هایی که در کشور در حال رخ دادن است یکی از راه‌های جلب نظر و اعتماد مردم برای نظام است که امام خمینی به خوبی به همه جوانب این آیین باشکوه اشراف داشتند. ایشان در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۱۸ در پیامی که به ائمه جمعه و جماعت کشور فرستادند و از بخش‌های مختلف خبری رادیو و تلویزیون نیز منعکس شده فرمودند: «...باید ائمه جماعات و ائمه جمعات همه شان توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که

مسائل را به ملت بگویند، توجه بدهند مردم را به مسائل سیاسی، به مسائل اجتماعی.»

قرار دادن نماز جمعه بعنوان آیین همبستگی و محل تجمع و عزم ملی مردم نشان از آن دارد که هم حکومت اسلامی و هم مردم مسلمان به این جایگاه بعنوان محور بسیار

مهم اتحاد بین خود نگاه می کنند و هر موقع که حکومت نیاز به نشان دادن عزم مردم و نیز اقبال مردم به سیاستهای نظام اسلامی دارد از این آیین باشکوه استفاده کرده و از آن طرف نیز مردم که با این سیاستها و سمت و سوی حرکت حکومت و دولت موافق هستند با حضور گسترده در این مراسم عزم و اراده خود را نشان می دهند. حضور گسترده نمازگزاران تهرانی در مواقعی خاص از جمعه های سال که نماز به امامت رهبر انقلاب اقامه می گردد، گواه این مطلب است و پخش مکرر تصاویر این حضور که از طریق بالگرد ها هم گرفته می شود از شبکه های مختلف سیما، عزم مردم را برای حفظ و حراست از حکومت به عنوان متولیان امور دینی به جهانیان نشان می دهد.

کارکردهای آیینی نماز جمعه

نماز جمعه بویژه بعد از انقلاب بعنوان رسانه ای قدرتمند به ارتباطات و رسانه های سنتی از جمله «مسجد» و «منبر» مفهوم وسیعتری داده است، ضمن آنکه معنای خود آن هم به گونه ای نسبت به قبل از انقلاب تفاوتی چشمگیر پیدا کرده و با این گسترش و تعمیق نقش ها و کارکردهای آن، به شکلی متناسب با اهداف نظام، بسط یافته است. این آیین در ایران، دارای کارکردهای متعدد نظارتی، پاسداری و حفظ انقلاب و نظام، تأثیرگذاری، مدیریت، ارشاد و بویژه جهت دهی به تصمیم گیری های مردم در شرایط حساس بویژه انتخابات بوده است.

نماز جمعه در شکل دادن به انقلاب و سپس در اداره کشور، نقش مهمی داشته است. این آیین باشکوه نخستین بار در ابعاد میلیونی در تهران برگزار شد و گزارش رویداد آن به شکل زنده در سراسر جهان پخش شد، از نظر کارشناسان داخلی و خارجی مسایل ایران نقطه عطفی در ایجاد جنبش بود.

نماز جمعه در جریان انقلاب و جنگ و در تمامی رویدادهای مهم نقش مؤثری در حفظ نظام ایفا کرد. این آیین با مداومت برگزاری در سراسر کشور، با اطلاع رسانی،

آموزش و ارشاد مخاطبان نقش مهمی در حفظ ایمان و روحیه مردم و نگهداری آنها در صحنه اجتماع داشته است. به عبارتی، نماز جمعه ایفاگر نقش دستگاه «رهبری کشور» را بر عهده گرفته و در توجیه مردم، دعوت به استقامت و تحرک بخشی و حفظ مجموعه نظام نقش آفرین بوده است.

دارا بودن کارکردهای بسیار مهمی که ذکر شد برای یک مراسم سبب می شود که این آیین بعنوان مهمترین آیین مورد توجه نظام و حکومت و همینطور مردم قرار گیرد و نظام می کوشد با گذشت سی سال از انقلاب هر هفته با شیوه های مختلف و راهکارهای گوناگون موجبات تقویت آن را فراهم آورده و بعنوان رسانه ای پویا و بسیار گسترده در سراسر کشور ارتباط نزدیک حکومت و مردم را سبب می شود.

نتیجه گیری

جلب نظر حداکثری مردم و بدست آوردن مشروعیت و مقبولیت در نزد مردم و حفظ این فاکتورها، یکی از دغدغه های هر نظام حکومتی و سیستم سیاسی در یک واحد جغرافیایی است، چرا که پایه های حکومت بر دوش مردم جامعه است و این مردم هستند که در پاسخ به رفتارهای فرمانگذاران، یا پایه های حکومت را تقویت می نمایند و یا آن را از دوش خویش بر می افکنند.

قدرت مشروع یعنی قدرتی که در باور مردم جا کرده باشد، یعنی مردم به این باور رسیده باشند که اطاعت از این فرمان و پذیرفتن رفتارهای حکومت، خیر و صلاح و سعادت آنها را در پی دارد و هیچ قدرت و حکومتی نمی تواند به اندازه همین نظام سیاسی حاکم سعادت آنها را تضمین و تامین نماید. به همین منظور حکومتها نیز برای کسب و حفظ مشروعیت در میان مردم از راههای مختلفی استفاده می کنند.

رهبران انقلاب اسلامی ایران در طول مبارزه خویش با حکومت پهلوی با علم و آگاهی از علاقمندی مردم ایران به دین مبین اسلام شعار اصلی خود را بر اسلامی بودن

حکومت پس از حکومت «طاغوت» قرار دادند و آن را «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر» نام گذاری کردند.

ما در طول این پژوهش سعی کردیم تا به یکی از راههای مشروعیت بخشی نظام پس از انقلاب اشاره نمائیم. بهره گیری از نمادها و آیین هایی که باور مردم و جزو اعتقادات مردم این سرزمین شد از سوی نظام اسلامی تا حدود زیادی موجب افزایش مشروعیت نظام در میان مردم گردیده است. البته این پژوهش تلاش نمود تا به چگونگی بهره گیری این آیین ها و نمادها در برنامه های صدا و سیما بعنوان یکی از نهادهای حکومتی، نزدیک شود.

آیین محرم و عاشورا، مناسک حج و آیین نماز جمعه از مهمترین این آیینها و مناسک هایی هستند که به طور منظم و چشمگیری در برنامه های صدا و سیما بخصوص سیما (تلویزیون) مورد بهره برداری قرار می گیرند و چون با اعتقادات و عواطف و باورهای جامعه اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگ دارد، موجب جلب نظر و حسن نظر مردم نسبت به حکومت می گردد.

از جمله مهمترین این آیین ها که ذکرشان در این پژوهش رفت، نماز جمعه است که به طور مرتب و منظم در برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران جای دارد.

شاید یکی از نشانه های اهمیت نماز جمعه از نظر مداومت و تکرار، وسعت برگزاری آن هم باشد، زیرا این نماز تنها آیینی است که بیش از ۵۵ بار یعنی در تمامی جمعه های هفته در سال، در سراسر ایران برگزار می شود، ضمن آنکه در مناسبت های معین چون عید فطر، عید قربان، عید غدیر و حتی روزهای تاسوعا و عاشورا نیز این «نماز جمعه» برپا می شود و رسانه های سراسری نیز در تمامی اوقات شرعی از تمامی شبکه ها شکلی از نماز (بویژه نماز جماعت) را پخش می کنند.

از جمله چیزهایی که سبب استقبال مردم از نماز جمعه و به تبع خطبه های خطیب آن می گردد طرح مباحث روز و مورد نیاز جامعه ماست. حضور کارگزاران و مسئولان نظام در صفوف نمازگزاران نشان از اهمیت دادن نظام به این مراسم عبادی - سیاسی

است. نظم دهی، استحکام بخشی، سرکوب و طرد دشمن و جهت دهی و تعریف و تفسیر جریان های اجتماعی از جمله کاردهای نماز جمعه هستند.

در این میان رسانه ملی با استفاده از این آیین سنتی، دینی و مذهبی مردم در برنامه سازی هایش که هر هفته از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش می شود و نیز از آیین ها و نمادهای دیگر مذهبی از جمله حج، محرم و عاشورا، اعیاد فطر و قربان و نیمه شعبان و اعیاد مذهبی و ملی، سعی وافر دارد تا نظر مخاطبان خود را تامین کند که یکی از راههای افزایش مشارکت مردم و همراهی آنها با سیاستهای نظام، تأمین نظر آنهاست که موجب استحکام بخشی وحدت بین مردم و مسئولان نظام و نیز منجر به افزایش انسجام ملی و هویت ملی می گردد و در مجموع اعتماد مردم مسلمان را به نظام حکومتی اسلامی بیشتر و بیشتر می کند و مشروعیت نظام را افزایش می دهد.

Archive of SID

منابع

۱. اختر شهر، علی، (۱۳۸۵)، مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی در حکمت دینی، تهران، نشر سازمان انتشارات تبلیغات اسلامی.
۲. اسحاقی، سید حسین، (۱۳۸۷)، مقایسه تطبیقی قیام حسینی (ع) و انقلاب خمینی (ره)، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، تهران، انتشارات دفتر عقل.
۳. اسماعیلی، محسن، (۱۳۸۸)، تأثیر انقلاب اسلامی بر کارکرد رسانه ها، رسانه: فصلنامه علمی - پژوهشی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۱.
۴. الستون، ویلیام، پ، (۱۳۸۰)، فلسفه زبان، ترجمه نادر جهانگیری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. بشیریه، حسین، (۱۳۷۰)، آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نی.
۶. پارکین، فرانک، (۱۳۸۴)، ماکس وبر، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران، انتشارات ققنوس.
۷. تقوی، سید رضا، (۱۳۷۴)، رسالت و جایگاه نماز جمعه، تهران، شورای سیاستگذاری نماز جمعه.
۸. دفلور، ملوین - دنیس، اورت ای، (۱۳۸۶)، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
۹. ریتزر، جورج، (۱۳۸۹)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۰. ریویر، کلود، (۱۳۸۶)، انسان شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، انتشارات نشر نی.
۱۱. رودنبولر، اریک، دبلیو، (۱۳۸۷)، ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن های رسانه ای شده، ترجمه عبدالله گیویان، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۲. شوالیه، ژان، آلن گربران، (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، جلد اول، تهران، انتشارات جیحون.
۱۳. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، دفتر مطالعات بین المللی.

۱۴. فیرحی، داوود، (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی.
۱۵. کنت، گالبرایت، (۱۳۷۱)، آناتومی قدرت، ۱۳۷۱، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، انتشارات سروش.
۱۶. مرشدی زاد، علی، مرداد (۱۳۸۹)، نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آن در همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۶.
۱۷. میرعابدینی، احمد، معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، ارتباطات آیینی و قدرت سیاسی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴۱.
۱۸. میرعابدینی، احمد، (۱۳۸۸)، انقلاب آیینی و رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب اسلامی، رسانه، فصلنامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی، شماره ۱.
۱۹. نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. هور، استوارت، ام - نات لاندبای، ۱۳۸۵، باز اندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی، تهران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. سایت اینترنتی موسسه تحقیقات و مطالعات رسانه‌ای همشهری، MAY _ 2010، <http://www.hccmr.com>
۲۲. اداره کل آرشیو و کتابخانه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.